

## بهر روز سورن: گردهمایی چهارم زندانیان سیاسی و ناروشنی های هویتی



مجموعه های کوچک و بزرگی با تمامی مشکلات و نارسائی ها گردهم آمدند و یاد آن عزیزان را زنده کردند. گردهمایی چهارم زندانیان سیاسی در شهر گوتنبرگ سوئد از جمله متمرکزترین و شاخص ترین آنها بود. چنانچه مراسم دیگر در محدوده محلی، شهری یا منطقه ای برگزار گردید اما مشخصه این گردهمایی سراسری بودن آن بود. لازم به ذکر نیست که یکی از شاخص های موفقیت یک برنامه بزرگ و سراسری میزان واکنشها و نقدهائی است که پس از آن طرح و مورد بحث قرار میگیرد. (قطعا این پارامتر تنها یکی از آنهاست). بنا بر این ادعا نقد را نمیتوان عاملی بر نفی یک حرکت دانست بلکه درجه اهمیت آن واقعه را میسراند

.....

تابستان سال 1390 را هم پشت سر گذاشتیم و از جانیباختگان دهه شصت و بویژه کشتار سراسری زندانیان سیاسی در تابستان 67 یاد کردیم. در این زمینه بسیار مطالب جدید نوشته شد و متون عیدیه ای منتشر شدند. سایت گزارشگران نیز در این زمینه گردآوری های خود را در صدها صفحه و در پنج قسمت منتشر کرد که در لینک زیر می بینید.

[http://www.gozareshgar.com/10.html?http://www.gozareshgar.com/10.html&tx\\_ttnews\[backPid\]=23&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=14951&cHash=06442a62a1ec46494360f9e380689a4c](http://www.gozareshgar.com/10.html?http://www.gozareshgar.com/10.html&tx_ttnews[backPid]=23&tx_ttnews[tt_news]=14951&cHash=06442a62a1ec46494360f9e380689a4c)

پسوندی نیز همراه شد که لینک زیر نشاندهنده آن است.

[http://www.gozareshgar.com/10.html?http://www.gozareshgar.com/10.html&tx\\_ttnews\[backPid\]=23&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=15077&cHash=ec8c38cdeccc32edb2cc802c70fa7ad1](http://www.gozareshgar.com/10.html?http://www.gozareshgar.com/10.html&tx_ttnews[backPid]=23&tx_ttnews[tt_news]=15077&cHash=ec8c38cdeccc32edb2cc802c70fa7ad1)

دهها مراسم و یادبود در سراسر جهان توسط ایرانیان در تبعید و مهاجرت بدین مناسبت برگزار شد. برخی از این مراسم توانست دهها وجدان بیدار را گرد آورد و شکوهی به یادمان ها بدهد.

مجموعه های کوچک و بزرگی با تمامی مشکلات و نارسائی ها گردهم آمدند و یاد آن عزیزان را زنده کردند. گردهمایی چهارم زندانیان سیاسی در شهر گوتنبرگ سوئد از جمله متمرکزترین و شاخص ترین آنها بود. چنانچه مراسم دیگر در محدوده محلی، شهری یا منطقه ای برگزار گردید اما مشخصه این گردهمایی سراسری بودن آن بود. لازم به ذکر نیست که یکی از شاخص های موفقیت یک برنامه بزرگ و سراسری میزان واکنشها و نقدهائی است که پس از آن طرح و مورد بحث قرار میگیرد. (قطعا این پارامتر تنها یکی از آنهاست). بنا بر این ادعا نقد را نمیتوان عاملی بر نفی یک حرکت دانست بلکه درجه اهمیت آن واقعه را میسراند.

در زمینه چگونگی برگزاری گردهمایی چهارم و بویژه پس از پایان آن تا کنون بیش از بیست مطلب بر له یا علیه آن نوشته شده است. از جمله این مطالب سه مطلب کوتاه نیز از سوی اینجانب منتشر شد که لینک های آن را می بینید

[http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=367&cHash=93d954ae986c99c25a097643dcc68a18](http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx_ttnews[tt_news]=367&cHash=93d954ae986c99c25a097643dcc68a18)

[http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=381&cHash=931e7aaad27e008fd62d6b052c5fb603](http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx_ttnews[tt_news]=381&cHash=931e7aaad27e008fd62d6b052c5fb603)

[http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=389&cHash=deb52daafda5dbe59f8639ca17e2cff4](http://www.dialogt.org/index.php?id=72&tx_ttnews[tt_news]=389&cHash=deb52daafda5dbe59f8639ca17e2cff4)

چکیده انتقادات من عبارت بودند از :

صفیندی شفاف با افرادی که به مقتضی زمان و محیط خود سخن میگویند و تاریخچه ای نه چندان روشن دارند. خارج از محل گردهمایی بلحاظ سیاسی و رفتاری آن کار دیگر می کنند! و بعلت عدم شناخت و یا هر دلیل دیگری از سوی برگزارکنندگان ( تک ستاره های تابناک گردهمایی معرفی و تبلیغ ) میشوند. ( مصاحبه های صوتی و نوشتاری ) گویا قحط الرجال بوده است! این طیف باندازه کافی بلندگوی دیگران را در اختیار دارند. بی بی سی رادیو فردا گویا روز پیک نت کار آنلاین اخبار روز و .....

اصالت این تجمع و سمینارها را حفظ کنیم و فریب جذابیت های رسانه ای وابستگان به دولتهای بزرگ که جز در برابر عدالت خواهان و آزادیخواهان قرار میگیرند را نخوریم. امثال رسانه هائی همچون بی بی سی – رادیو فردا – گویا و لوس آنجلسی ها را میگویم. بدانیم که ما خود بسیار انیم. این مهم از اینجهت است که با میدان دادن به آنها، اپوزیسیون رادیکال بیکار نخواهد ماند و آلترناتیوها شکل خواهند گرفت در حالی که با حضور بی شبهه شما عزیزان جنبش سرنگون طلب نیازمند آن نخواهد بود بالماسکه ای از یادبود آن عزیزان تداوم یابد.

نکته دیگر اینکه تعیین محل برگزاری این مراسم از نکات بسیار مهم است که با ترکیب سیاسی تجمع ایرانیان تبعیدی ارتباطی مستقیم دارد. میزان بهره وری از امکانات موجود محلی، برآورد از گستره حمایت بخش رادیکال شهری و منطقه ای، سهولت سفر از نقاط مختلف اروپا و آمریکا و..... از مواردی هستند که نمیتوان از کنار آنها بی توجه گذشت.

نقد دیگر متوجه گروه هنری بود که علاوه بر محدود بودن آن بلحاظ کمی که ظاهرا وظایف تبلیغاتی نیز داشت نتوانست آنطور که باید شاید در هر دو زمینه عملکردی موفقیت آمیزی داشته باشد. کارهای ضعیف و تکراری و ارتباط ناچیز با محیط سیاسی اجتماعی برون مرزی که دریائی از انرژی و توانائی است.

طبیعی است که ارتباطات با داخل کشور دچار مشکلاتی است. طبیعی است که رسانه های سبز و اصلاح طلب این واقعه را سانسور می کنند اما در نظر بگیرید که در دنیای ارتباطات کنونی که فلان شخص از طریق فیس بوکش یک مطلب را به 3000 نفر ظرف چند ساعت ارسال و معرفی میکند. گروه کار هنری ظرف چند ماه بیلان 2400 بازدید کننده میدهد. ضمن اینکه بنظر من این گروه اساسا مخاطب را نشناخته بود.

نگاه کنیم به گزارش این گروه:

[http://www.dialogt.org/index.php?id=78&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=383&cHash=469d4b791cfc6ad3d1907705f4341a63](http://www.dialogt.org/index.php?id=78&tx_ttnews[tt_news]=383&cHash=469d4b791cfc6ad3d1907705f4341a63)

تعیین سخنگویان محلی منطقه ای نیز مضاف بر نکات قبلی نشاندهنده غلطی به فرمالیسم گردانندگان گردهمایی چهارم بود که درباره ان نوشتم:

نکته دیگر غلطیدن به فرمالیسم است

برگزار کنندگان طرحی نو در انداختند. تعیین سخنگویان در کشورهای دیگر را در برنامه قرار دادند. انتخاب کردند و پیشنهاد کردند. برنامه ای اما نداشتند. تدارکی در کار نبود. سخنگویان چکاره بودند؟ چرا انتخاب شدند؟ معیارها کدام بودند؟

سخنگویان معرفی شدند. در پالتاک و سپس مکتوب بر صفحات اینترنتی.

به همین جا ختم شد. در فرم باقی ماند. طبیعی بود که همه می پذیرفتند. با جان و دل و بدون اما و اگر. اما برای چه؟ چه کمکی میتوانستند بکنند؟ از کجا آغاز کنند؟ از کدام توانائی های امکاناتی و تدارکاتی بهره ببرند؟

روشن بود که در محل گردهمایی طیف بسیار وسیعی نمیتوانند جمع شوند و بطور حضوری در کنار هم مراسم را برگزار کنند. پس چه باید کرد تا انعکاسی وسیع و بین المللی یابد. قطعاً تعیین سخنگویان کشوری ایده خوبی است در کنار تبلیغات و پس تبلیغات اما هر ایده ای برای مادیت یافتن نیازمند تدارک و برنامه ریزی است. نیازمند سازماندهی است. چنانچه این مواد اولیه را در اختیار نداریم بهتر است آغاز نکنیم طرح نو بواسطه نو بودنش همه گیر نخواهد شد. نیازمند برنامه ریزی و سازماندهی است تا سخنگویان هم سخن بگویند و ایده ای را فراگیر کنند. (

**نکته مهم دیگر عدم تطبیق آرایش صحنه با نام عام این گردهمایی است.**

رفیق فرخ قهرمانی که در سلامت سیاسی و تلاشگری دیرینه وی در زمینه زنده نگاهداشتن یاد عزیزان جانباخته آشنائی و شبیه ای ندارم، معتقد است که آدین گردهمایی با شعارهای برقرار باد سوسیالیسم، زنده با سوسیالیسم و ازادخواهی نشاندهنده هویت برگزار کنندگان است.

در متن انتقادی من این نکته هم اضافه شده بود که حق مسلم برگزار کنندگان است که هویت خود را بیان و جلوه دهند. این در حالی است که گفتمان زندانی سیاسی بنابر تعاریف عمومی و استاندارد مفهومی عام را در بر میگیرد.

اما چنانچه به نام این سمینار توجه کنیم چه دریافت خواهیم کرد؟

## **چهارمین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران**

اولاً کشتار سراسری زندانیان سیاسی تنها به متعلقین سازمانهای چپ نبوده است

دوما این طیف دست بالا را هم نداشتند

سوما تاکیدات من دعوت از سبزها، هواداران رفورم و یا آنان که چشم به انتخابات آزاد دارند نبوده است

یا زنگی زنگ یا رومی ...

تعریف من از رادیکالیسم همه آن طیف هائی هستند که جز با سرنگونی رژیم امکان تغییرات بنیادی و انتخابات آزاد را ارزیابی نمی کنند. (گفتگو از دهه شصت و تابستان 67 است)

ابراز هویت خلق الساعه در محل گردهمایی تعیین نمیشود. با توجه به سابقه سه دوره قبل این گردهمایی ها واضح و روشن بود و هست که گردانندگان و سیاست جاری بر برگزاری آنها از سوی فعالین چپ رادیکال هدایت میشود. نکته ای که من بر آن تاکید داشتم این بود که چرا نام گردهمایی با مضمون و عملکرد جمع هماهنگی لازم را ندارد. مگر سازمان مجاهدین برنامه های یادبود خود را به قربانیان این طیف اختصاص نمیدهد؟ اگر بپذیریم که در عمل این صفتبندی ها انجام شده است هیچ اشکالی موجود نیست که نام گردهمایی پنجم تشخیص دهنده آن بخش از قربانیانی باشد که با ارامنهای مارکسیستی و چپ به استقبال مرگ رفتند. در حالیکه نام کنونی این مجموعه ایجاد شبهه میکند. که گویا دادخواهی از تمامی جانفشانان آندوران مد نظر است حال آنکه بسیاری از آنان مدینه فاضله شان سوسیالیسم

نبوده است. جان دادن در راه مسعود و مریم رجوی کافی بوده است که مقاومت آنان را در برابر جوخه مرگ سازمان دهد. چه بخواهیم و یا نخواهیم این حقیقتی است که دیر یا زود میبایستی با آن روبرو شد و تناقض موجود را پاسخ گفت. منبع این تناقض تلاش بخشی ایدئولوژیک از اپوزیسیون است که نقش پوپولیستی را بعهده گرفته است. حال آنکه در ایفای نقش انتخابی خود نیز دقت عمل لازم را مینور نمی دارد. شعار برقرار باد سوسیالیسم که آرمان اول و آخر این قلم است. برای بسیاری از قربانیان آن دهه حتی مفهوم نبوده است.

مقبول است که چپ بعنوان قربانی سرکوب محق است در این زمینه بطور متمرکز فعالیت هایش را سازمان دهد و دادخواهی را در مسیر تلاشهایش قرار دهد. اما آنچه مهم است شفافیت این کوشش هاست و جهت دادن تبلیغات و ترویج در این زمینه هاست.

آرزوی موفقیت هر چه بیشتر در گردهمایی پنجم

بهر روز سورن

10.2011. 20

[www.gozareshgar.com](http://www.gozareshgar.com)